

کتاب زردشت

با چند تن از پژوهندگان درباره ایران شناسی بحث داشتیم : یکی از آنان گفت بالاخره ندانستیم کتاب دینی زردشت چیست؟ معلوم نشد یسنا کتاب اوست یا گاتها؟

من پاسخ دادم گفتم یسنه که از دوره ساسانیان بجا مانده کتاب اوست، گاتها کتابی است که از زمانی نزدیک به ۱۵۰ سال پیش از متن یسنه بیرون آورده شده و کتاب مستقلی نیست و از لحاظ نامگذاری و تقسیم کردن بر پنج قسمت هم دارای ایراد است. برخی از ادیان تصدیق کردند بعضی هم دچار تعجب شدند. خلاصه اینکه بحث در گرفت و سخن بدر از اکتشید. گفتند این را در مطبوعات بنویسید و یا در برنامه رادیو و تلویزیون بگوئید تا پژوهندگان بدانند. گفتم چند بار در مجله ارزنده ارغمان نوشتم و دشمن هم پیدا کردم. پیدا شدن دشمن از این لحاظ است که طرفداران کتاب گاتها روی عال و جهاتی نمیخواهند این موضوع مطرح شود و مردم از چگونگی روی کار آمدن این کتاب تازه آگاه گردند.

پس از گفت و گوهای زیاد مرا و ادار کردند از نو این داستان را بنویسم؟ خلاصه داستان این است که از دوره ساسانیان چند کتاب بجا مانده : یکی از آنها بنام یسنه میباشد که بنادرست آنرا یسنا میخوانند. این کتاب از

لحاظ قدیمی بودن و دربرداشتن مطالب ارزنده علمی و ادبی و اخلاقی و راه و روش زندگی، در درجه اول اهمیت قرار گرفته و از روزگاران کهن نیز بنام کتاب زردشت معروف بوده است.

گفته‌های شیرین و دلنشین و آموزنده کتاب هم که با خداشناسی آغاز میشود، آشکارا میرساند از خود حضرت زردشت است. کتاب دارای ۷۲ فصل است که هر فصل دارای چندین قطعه دراز و کوتاه میباشد. هفتاد و دو رشته کشتی یا کمر بند دینی زردشتیان با احترام همین هفتاد و دو فصل است. موبدزادگان که بخواهند بدرجه موبدی برسند، باید این هفتاد و دو فصل را حفظ کنند و از بر بخوانند.

خلاصه اینکه جنبه تقدس این نیشته باستانی، از روزگاران گذشته معلوم و مورد توجه بوده. همه سرودهای این ۷۲ فصل از لحاظ آهنگ و قافیه یکسان نیستند. بعضی از آنها نثر ساده و کوتاه، برخی دیگر شبیه نظم و دراز است، مانند ۱۷ فصل پراکنده از میانه‌های کتاب که اکنون بنام گاتها در دست است.

برخی از دانشمندان کشورهای دیگر بنصورتی که شاید همین ۱۷ فصل از ۷۲ فصل یسنه سروده خود زردشت باشد، آنها را بصورت کتاب جداگانه‌ای آورده و بنام گاتها نام‌گذاری کرده‌اند و گاتها را هم بمعنی سرودهای زردشت خوانده‌اند این ۱۷ فصل از فصل ۲۸ شروع میشود و بطور میان بر به فصل ۵۱ میرسد. یعنی ۲۷ فصل از اولها و ۱۲ فصل از وسطها افتاده. آخرهای کتاب هم معلوم نیست.

گذشته از اینکه در نامه‌های باستانی بواژه گات بر نمیخوریم و چنین ریشه‌ای برای واژه گاتها یعنی سرودهای زردشت نمی‌یابیم، تعجب این است که این ۱۷ فصل را به پنج بخش کرده‌اند و نامهای گاهان یا پنجروز پایان سال را بر آنها

گذاشته‌اند .

پس از این توضیحات اکنون باید پیشینه این پنج نام و گاهان را که از روی اشتباه بصورت گانها و طبقات پنج‌گانه آن آورده‌اند روشن سازیم تا خوانندگان گرامی بخوانند و بدانند که بچه ترتیبی برای زردشت پیغمبر کتاب درست کرده‌اند و چگونه مردم را به سرگردانی انداخته‌اند .

در دنباله بند ۱۱ فصل دوم و بند ۱۴ فصل سوم و بند ۱۶ فصل چهارم و بند ۱۰ فصل ششم و بند ۱۳ فصل هفتم یسه از گاه شماری سخن میراند . در این گاه شماری هر ماه سی روز است که دوازده ماه سیصد و شصت روز میشود . چون سال خورشیدی سیصد و شصت و پنج شبانه روز و یک چهارم است لذا پس از پایان یافتن اسفند ماه پنجروز و خورده‌ای باقی میماند این پنجروز و کسری بنامهای : « گاناو ، گائابو » یاد شده که در فارسی گاهان میباشد . مفرد آن در یسه بصورت گانا آمده که در فارسی گاه است . نامهای پنجروز گاهان در فارسی بدین ترتیب میشود :

۱- اهنهوت گاه ۲- اوشتهوت گاه ۳- سپنتمت گاه ۴- وهوخشتره گاه

۵- وهیشتویشث گاه .

این پنجروز که بنام گاهان و پنجه و پنجه زردشت میباشد ، برابر نوشته‌های باستانی روزهای آفرینش انسان است و از این جهت در آئین کهن پایه بسیار ارجمند دارد و برابر سنت قدیم در میان زردشتیان با خواندن نیایشهای ویژه برگزار میشود . مخصوصا نیایشی بنام آفرینگان پنجه در خورده آویستا برای این روزها مقرر شده . این پنجروز اکنون هم در خیلی جاها از کشور ما مورد توجه و احترام است و در هر محل با ترتیبات مخصوص برگزار میگردد . در تقویم زردشتیان نیز این پنجروز با همان نامهایی که گفته شد

نوشته شده است .

این بود پیشینه این دانشنامه کهنسال ایرانی یعنی کتاب یسنه که با بیرون آوردن ۱۷ فصل آن بنام گاتها پیکره اصلی خود را از دست داده و از جلوه دیرین افتاده است .

خدا کند پاکدلانی از ایرانیان برای نگاهداری و ترجمه این کتاب همت گمارند و نگذارند اصالت آن بهم بخورد و اصل فدای فرع گردد . امید است طرفداران گاتها هم برای حفظ احترام مقام دانش . بویژه برای حفظ اصالت بک کتاب دانش ایرانی و جلوگیری از گمراهی و سرگردانی پژوهندگان ، از روی انصاف و وجدان قدری در این باره فکر کنند و با هم بمشورت پردازند شاید بایاری خدا باشتباهانی که شده است پی ببرند و با توجه به جلوه گرساختن سرچشمه اصلی در پیش خدا و وجدان و مردم خرسند و سرافراز گردند .

فعلا بهمین اندازه گفته شد بسنده است .

دیه زردشتی در ایران افزون از ده قرن رواجی کامل داشت و آتشکده آن خاموش نشد . از ایران بممالک مجاوره نیز سرایت کرد . در اثنای این مدت تنها حمله اسکندر در ۳۳۰ ق. م. برای آتشکده زردشت ضربتی قاطع بوده و گویند کتاب اوستا را که در قصر سلطنتی استخر (پرس پولیس) نگاهداشته و بر روی یکصد و سی چرم گاو نبشته بودند طعمه حریق ساخت ، پس از آن زمان یکدوره وقوف و انحطاط برای آن دین پیش آمد که معاصر با زمان اشکانیان است .

(تاریخ ادیان)